13180 ـ نوشتن بدهی و گواه گرفتن بر آن

سوال

روش صحیح برای قرض دادن چیست؟ آیا اگر هنگام قرض دادن مقداری پول به شخص دیگر، شاهدی حاضر نکنم گناهکار هستم؟

پاسخ مفصل

الحمدلله.

روش صحیح برای قرض دادن همان است که خداوند تعالی در سوره بقره در آیهٔ دَین ذکر کرده است، و آن این سخن اوست عز و جل: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَدَايَنتُم بِدَيْنٍ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى فَاكْتُبُوهُ ۚ وَلْيَكْتُب بَّيْنَكُمْ كَاتِبٌ بِالْعَدْلِ ۚ وَلَا يَأْبَ كَاتِبٌ أَن يَكْتُبَ كَمَا عَلَّمَهُ اللَّهُ ۚ فَلْيَكْتُبْ وَلْيُمْلِلِ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ وَلْيَتَّقِ اللَّهَ رَبَّهُ وَلَا يَبْخَسْ مِنْهُ شَيْئًا ۚ فَإِن كَانَ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ سَفِيهًا أَوْ ضَعِيفًا أَوْ لَا يَسْتَطِيعُ أَن يُمِلَّ هُوَ فَلْيُمْلِلْ وَلِيُّهُ بِالْعَدْلِ ۚ وَاسْتَشْهِدُوا شَهِيدَيْنِ مِن رِّجَالِكُمْ ۖ فَإِن لَّمْ يَكُونَا رَجُلَيْنِ فَرَجُلٌ وَامْرَأَتَانِ مِمَّن تَرْضَوْنَ مِنَ الشُّهَدَاءِ أَن تَضِلَّ إِحْدَاهُمَا فَتُذَكِّرَ إِحْدَاهُمَا الْأُخْرَىٰ ۚ وَلَا يَأْبَ الشُّهَدَاءُ إِذَا مَا دُعُوا ۚ وَلَا تَسْأَمُوا أَن تَكْتُبُوهُ صَغِيرًا أَوْ كَبِيرًا إِلَىٰ أَجَلِهِ ۚ ذَٰلِكُمْ أَقْسَطُ عِندَ اللَّهِ وَأَقْوَمُ لِلشَّهَادَةِ وَأَدْنَىٰ أَلَّا تَرْتَابُوا ۖ إِلَّا أَن تَكُونَ تِجَارَةً حَاضِرَةً تُدِيرُونَهَا بَيْنَكُمْ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَلَّا تَكْتُبُوهَا ۗ وَأَشْهِدُوا إِذَا تَبَايَعْتُمْ ۚ وَلَا يُضَارَّ كَاتِبٌ وَلَا شَهِيدٌ ۚ وَإِن تَفْعَلُوا فَإِنَّهُ فُسُوقٌ بِكُمْ ۗ وَاتَّقُوا اللَّهَ ۗ وَيُعَلِّمُكُمُ اللَّهُ ۗ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (٢٨٢) وَإِن كُنتُمْ عَلَىٰ سَفَرٍ وَلَمْ تَجِدُوا كَاتِبًا فَرِهَانٌ مَّقْبُوضَةٌ ۖ فَإِنْ أَمِنَ بَعْضُكُم بَعْضًا فَلْيُؤَدِّ الَّذِي اؤْتُمِنَ أَمَانَتَهُ وَلْيَتَّقِ اللَّهَ رَبَّهُ ۗ وَلَا تَكْتُمُوا الشَّهَادَةَ ۚ وَمَن يَكْتُمْهَا فَإِنَّهُ آثِمٌ قَلْبُهُ ۗ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ [البقرة: ٢٨٢ـ٢٨٣] (ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اگر به یکدیگر وامی [پرداختید یا معاملهٔ نسیه‌ای انجام] دادید که سررسیدِ معیّنی داشت، آن را بنویسید؛ و باید نویسنده‌ای [قراردادِ این کار را] بر اساسِ عدالت بین شما بنویسد و هیچ نویسنده‌ای نباید از نوشتنش خودداری کند، همان‌گونه [و به شکرانهٔ آن] که الله به او آموزش داده است؛ و کسی که وام بر عهدهٔ اوست [= بدهکار] باید املا [و اقرار] کند و او [= نویسنده] بنویسد؛ و باید از الله، که پروردگارِ اوست، بترسد و از [مبلغ و مدتِ] آن [وام] چیزی نکاهد. اگر کسی که وام بر عهدهٔ اوست سَفیه [=کم‌خرد]، یا [به سبب خردسالی یا بیماری یا پیری] ناتوان است، یا خود نمی‌تواند املا کند، باید قَیِّمِ او با [رعایت] عدالت املا کند و دو شاهد از مردانتان را [بر آن قرارداد] گواه بگیرید. اگر دو مرد نبودند، یک مرد و دو زن از میان گواهانی که [به عدالت آنان] رضایت دارید [گواه بگیرید] تا اگر یکی از آن دو [زن] فراموش کرد، دیگری به او یادآوری کند؛ و هنگامی که شاهدان [برای ادای شهادت] دعوت شدند، نباید [از آمدن] خودداری کنند. و از نوشتن [بدهی] تا سررسیدش [سستی نکنید و] دلگیر نشوید خواه [مبلغ آن] کم باشد خواه زیاد. این

[کار،] در نزد الله به عدالت نزدیک‌تر و برای گواهی‌دادن، استوارتر است و برای آنکه [در مقدار و مدتِ وام] دچار تردید نشوید، [به احتیاط] نزدیک‌تر است؛ مگر اینکه داد و ستدی نقدی باشد که بین خود دست به دست می‌کنید. در این صورت، گناهی بر شما نیست که آن را ننویسید؛ و هنگامی که داد و ستد [نقدی] کردید، گواه بگیرید و [در این میان] نباید به نویسنده و گواه [هیچ] رنج و زیانی برسد؛ و اگر [چنین] کنید بی‌شک [بیانگر] نافرمانیِ شما خواهد بود؛ و [ای مؤمنان،] از الله پروا کنید [و معاملات را به همان شکلی که امر می‌کند انجام دهید]. الله [آنچه را که برای دنیا و آخرتتان سودمند است] به شما آموزش می‌دهد و الله به همه چیز داناست (۲۸۲) اگر در سفر بودید و نویسنده‌ای نیافتید [که سندِ وام را بنویسد، چیزی] گرو بگیرید و اگر یکی از شما دیگری را امین دانست [و چیزی گرو نگرفت و نوشته و گواه نیز نداشت]، آن که امین شمرده شده است، باید امانت [و بدهی] خود را بازپس دهد و باید از الله، که پروردگار اوست، پروا کند؛ و شهادت را کتمان نکنید و [بدانید که] هر کس آن را کتمان کند، بی‌شک، قلبش گناهکار است؛ و الله به آنچه می‌کنید، داناست).

پس روش صحیح برای قرض دادن عبارت است از:

۱ـ تعیین سررسید بدهی، یعنی مدتی که بدهی پس از آن پرداخت خواهد شد.

۲ـ نوشتن بدهی و سررسید آن.

۳ـ اگر کسی که بدهی را می‌نویسد شخصی غیر از بدهکار باشد، این بدهکار است که متن نوشته را املا می‌کند.

۴- اگر بدهکار به دلیل بیماری یا غیر آن نتواند املا کند، ولی و سرپرست او املا می‌کند.

۵- گواه گرفتن بر بدهی؛ بنابراین دو مرد، یا یک مرد و دو زن را بر آن گواه می‌گیری.

۶- طلبکار می‌تواند از بدهکار بخواهد که بدهی را با یک گروی که طلبکار آن را در اختیار می‌گیرد، مستند سازد. فایدهٔ گرو این است که اگر زمان پرداخت بدهی فرا رسد و بدهکار از پرداخت امتناع ورزد، آن گرو فروخته شده و بدهی از [محل فروش] آن پرداخت می‌گردد، سپس اگر چیزی از قیمت آن باقی ماند به صاحبش که همان بدهکار است بازگردانده می‌شود.

و مستندسازی بدهی با یکی از این سه روش (نوشتن، گواه گرفتن، و گرو یا همان) به صورت استحبابی و به عنوان کارِ بهتر است و واجب نیست. برخی از علما به وجوب نوشتن بدهی نظر داده‌اند، اما اکثر علما بر استحبابی بودن آن اتفاق نظر دارند و این قول راجح است. بنگرید به: تفسیر قرطبی ۳/۳۸۳. و حکمت از این کار: مستند ساختن حقوق است تا به دلیل فراموشی زیاد، وقوع اشتباهات، در معرض نابودی قرار نگیرد، و همچنین احتیاط نسبت به خائنانی که از خداوند تعالی نمی‌ترسند.

بنابراین اگر بدهی را ننویسی و بر آن گواه نگیری و گرویی دریافت نکنی، به خاطر آن گناهکار نیستی، و خود آیه نیز بر این

دلالت دارد: فَإِنْ أَمِنَ بَعْضُكُم بَعْضًا فَلْيُؤَدِّ الَّذِي اؤْتُمِنَ أَمَانَتَهُ وَلْيَتَّقِ اللَّهَ رَبَّهُ (و اگر یکی از شما دیگری را امین دانست [و چیزی گرو نگرفت و نوشته و گواه نیز نداشت]، آن که امین شمرده شده است، باید امانت [و بدهی] خود را بازپس دهد و باید از الله، که پروردگار اوست، پروا کند) و اعتماد کردن [به یکدیگر] با مستند نکردن بدهی از طریق نوشتن یا گواه یا گرو صورت می‌گیرد. اما در این حالت به تقوا و ترس از خدا نیاز است، و به همین دلیل خداوند در این حالت به کسی که حق بر عهدهٔ اوست دستور می‌دهد که تقوای الهی پیشه کند و امانتش را ادا کند: فَلْيُؤَدِّ الَّذِي اؤْتُمِنَ أَمَانَتَهُ وَلْيَتَّقِ اللَّهَ رَبَّهُ . بنگرید به: تفسیر سعدی (۱۶۸ـ۱۷۲).

و اگر بدهی نوشته نشود و سپس بدهکار آن را انکار کند یا در پرداختش کوتاهی ورزد، در این صورت طلبکار جز خودش را سرزنش نکند، زیرا اوست که حقش را در معرض نابودی قرار داده است. و از پیامبر صلی الله علیه وسلم وارد شده است که اگر بدهی نوشته نشود، دعای طلبکار علیه بدهکار در صورتی که کوتاهی ورزد یا بدهی را انکار کند، پذیرفته نمی‌شود. پس ایشان صلی الله علیه وسلم فرمودند: «سه گروه هستند که خدا را می‌خوانند و دعایشان مستجاب نمی‌شود... و از آنان [این شخص را] ذکر کرد: و مردی که از مردی دیگر طلبی دارد ولی بر آن گواه نگرفته است» صحیح الجامع (۳۰۷۵).

و هر کس در این تشریعات و غیر آن تأمل کند، کمال شریعت اسلامی و میزان حرص آن بر حفظ حقوق و قرار ندادن آن در معرض نابودی را درمی‌یابد. خداوند سبحانه و تعالی به صاحب مال دستور می‌دهد که از مال خود محافظت کند و آن را هرچقدر هم که کم باشد در معرض نابودی قرار ندهد: وَلَا تَسْأَمُوا أَن تَكْتُبُوهُ صَغِيرًا أَوْ كَبِيرًا إِلَىٰ أَجَلِهِ (و از نوشتن [بدهی] تا سررسیدش [سستی نکنید و] دلگیر نشوید خواه [مبلغ آن] کم باشد خواه زیاد).

آیا شریعتی یافت می‌شود که میان مصالح دین و دنیا به طور کامل جمع کرده باشد آن‌گونه که شریعت اسلامی هر دو را یکجا کرده است؟!

و آیا ممکن است کسی کامل‌تر از این تشریعات بیاورد؟!

و راست فرموده خداوند بزرگ آنگاه که می‌فرماید: وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ حُكْمًا لِّقَوْمٍ يُوقِنُونَ [المائدة: ۵۰] (و برای قومی که یقین دارند، داوریِ چه کسی از الله بهتر است؟).

از خداوند تعالی می‌خواهیم که ما را بر دین خود ثابت قدم بدارد تا در حالی که بر همین دین هستیم با او ملاقات کنیم.

و خداوند تعالی داناتر است وصلی الله وسلم علی نبینا محمد.